



متهم:

قصد کور کردن چشم شاکي را نداشتم

مرد جوانی که متهم است به هواخواهی از برادرش در درگیری، چشم چپ سرد جوانی را کور کرده‌است، در دادگاه با در خواست قصاص چشم از سوی شاکي روبه‌رو شد.

به گزارش «جوان»، سال ۹۶، مأموران پلیس تهران، از درگیری چند مرد جوان در یک کارگاه چوببری با خبر و راهی محل شدند. شواهد اولیه حکایت از آن داشت که در آن درگیری مرد جوانی به نام شهرام از ناحیه چشم آسیب دیده و راهی بیمارستان شده‌است.

تحقیقات در این زمینه ادامه داشت که خبر رسید چشم چپ شهرام به خاطر شدت جراحات تخلیه شده‌است.

مرد جوان بعد از ترخیص از بیمارستان به اداره پلیس رفت و از او برادر به نام‌های نوید و آرمان شکایت کرد. او در توضیح، نوید را عامل کوری چشمش معرفی کرد و گفت: «مدتی قبل با آرمان به اختلاف مالی خوردم و هر بار برای تسویه می‌رفتم، ظفره می‌رفت و امروز و فردا می‌کرد. روز حادثه تصمیم گرفتم برای بار آخر با او صحبت کنم. آرمان با برادرش در یک کارگاه چوب‌بری حوالی جنوب تهران کار می‌کردند. برای صحبت به آنجا رفتم، اما دو برادر وقتی مرا دیدند، برخورد سردی کردند و به من محل ندادند. بادی‌ن رفتارشان کینه‌به دل گرفتم و از آنها خواستم همین الان پای حساب و کتاب بنشینند و جواب مرا بدهند، اما حرف‌های من به آنها برخورد و دو برادر به طرفه آمدند و درگیری شروع شد. همان موقع چند نفر دیگر هم وارد دعوا شدند و درگیری بالا گرفت. در جریان درگیری نوید به طرف من حمله می‌کرد و در نهایت خودش را به من رساند و با مشت یک ضربه محکم به صورتم زد. دستم را روی صورتم گرفتم و از درد داد می‌کردند. برای من صحبت به آنجا بودند، اما او برادر رفتند و بعد هم با موبولاس به بیمارستان منتقل شدم. در بیمارستان تحت مداوا قرار گرفتم، اما چشمم چپم به خاطر شدت جراحات و خونریزی تخلیه شد از نوید شکایت دارم و می‌خواهم قصاص شود.»

بعد از طرح این شکایت دو برادر تحت تعقیب قرار گرفتند و بازداشت شدند. آنها در روند بازجویی‌ها به درگیری با شاکي اعتراف کردند. سپس طبق اظهارات شاکي، نوید که عامل کوری چشم بود، تحت بازجویی قرار گرفت. او در توضیح گفت: «من و برادرم در کارگاه چوب‌بری کار می‌کردیم، شهرام دوست برادرم بود و با او اختلاف مالی داشت. آن روز شهرام برای تسویه حساب به کارگاه آمد و دوستانش نیز همراهش بودند. آنها وقتی وارد کارگاه شدند، درگیری را شروع کردند، سپس با بلند شدن سر و صدای آنها، چند نفر دیگر هم وارد درگیری شدند. شهرام دست بردار نبود و به همین خاطر وقتی دیدم برادرم تنها‌است و نیاز به کمک دارم، به هواخواهی از برادرم وارد درگیری شدم. من می‌خواستم آنها را از هم جداکنم، اما شهادت خود که یک مشت به صورت شهرام زدم، ولی قصد کور کردن چشم او را نداشتم.»

با اقرارهای متهم، پرونده پس از کامل شدن تحقیقات به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و بعد از تعیین شعبه روی میز هیئت قضایی شعبه هشتم دادگاه قرار گرفت.

اولین جلسه محاکمه به ریاست قاضی‌رحمانی در آن شعبه تشکیل شد. بعد از اعلام رسمیت جلسه، شاکي به جایگاه رفت و برای متهم درخواست اشد مجازات کرد. سپس متهم به دستور ریاست دادگاه در جایگاه ایستاد و گفت: «من با شاکي درگیری داشتم، اما قصد نداشتم به او آسیبی برسانم و می‌خواستم میانجیگری کنم، اما او فریاد می‌کشید و کنترلی روی رفتارش نداشت. این شد که ضربه‌ای به صورتم زدم تا آرام شود. باور کنید فکر نمی‌کردم ضربه‌ام موجب کوری چشمش شود.»

او در ادامه گفت: «طبق گزارش پزشکی قانونی، چشم شاکي قبل از حادثه مشکل بینایی نداشته‌است. از طرفی طبق قانون امکان اجرای قصاص در صورت رعایت تساوی ممکن است پس به خاطر مشکل بینایی شاکي این امکان وجود ندارد. از دادگاه تقاضای بخشش دارم.»

بعد از دفاعیات متهم، هیئت قضایی وارد شد و با توجه به شواهد موجود، وی را به قصاص چشم محکوم کرد. این حکم با اعتراض متهم، نقض و پرونده در شعبه هم‌عرض رسیدگی شد، اما در آن شعبه مرد جوان بار دیگر به قصاص محکوم شد.

رای صادره بار دیگر مورد اعتراض و کیل متهم قرار گرفت و به دیوان عالی کشور فرستاده شد، سپس با استعلام دوباره از پزشکی قانونی درباره امکان قصاص چشم و رعایت تساوی روی هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه‌قرار گرفت.

به این ترتیب متهم در نوبت رسیدگی در آن شعبه حاضر شد. ابتدای جلسه شاکي بار دیگر درخواست قصاص چشم کرد. در ادامه متهم به جایگاه رفت و در آخرین دفاعش گفت: «آن روز برای طرف‌داری از برادرم وارد درگیری شدم، اما شاکي خیلی عصبانی بود به همین خاطر برای اینکه به دعوی آنها پایان بدهم، یک مشت به صورت او زدم، ولی قصد نابینا کردن شاکي را نداشتم. الان بشپمان هستم و از شاکي و دادگاه درخواست گذشت دارم.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رای وارد شور شد.

حواشات

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۷۶

پیراهن خونین زنانه

راز قتل مهندس را برملا کرد

■ **آرمین بینا**
مأموران پلیس تهران پنج سال پس از اینکه پیراهن زنانه‌ای را در خانه مهندس ساختمان یافتند، زنی از بستگان او را به عنوان مظنون به قتل مهندس بازداشت کردند. ساعت ۸:۳۰ صبح روز چهارشنبه ۹ اسفندماه ۹۶ بود که به مأموران پلیس تهران خبر رسید مرد مسالی در محل زندگی‌اش در منطقه صادقیه به طرز مشکوکی به قتل رسیده‌است.

با اعلام این خبر تیمی از مأموران کلانتری ۱۱۸ ستارخان به محل حادثه اعزام شدند و داخل اتاق پذیرایی طبقه دوم ساختمان مسکونی با جسد مرد ۴۶ ساله‌ی به نام وحید روبه‌رو شدند که با اصابت ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود.

پس از حضور بازپرس ویژه قتل و تیم جنایی پلیس آگاهی در محل مشخص شد مقتول مهندس ساختمان بوده و از مدتی قبل در خانه‌اش تنها زندگی می‌کرده است. تحقیقات تیم جنایی نشان داد زن و فرزند مقتول مقیم کشور آمریکا هستند و از مدتی قبل به امریکا مهاجرت کرده‌اند و قرار بوده مهندس هم پیش آنها برود، اما به طرز مرموزی قبل از سفرش به قتل رسیده‌است.

■ **سرتقت دلار**
تیم جنایی در نخستین گام متوجه به هم ریختگی وسایل خانه مقتول شدند که حکایت از آن داشت عامل قتل به احتمال قتل به احتمال زیاد با انگیزه سرتقت دست به جنایت زده‌اند. از سوی دیگر مأموران پلیس در یافتند مقتول مقدار زیادی دلار، طلا و پول در خانه نگهداری می‌کرده، اما پس از قتلش ممتن دلارها، طلاها و پول‌ها سرتقت شده‌است. همچنین با توجه به سالم بودن در ورودی این فرضیه برای مأموران پلیس قوت گرفت که قاتل یا قاتلان، افراد آشنایی هستند که هم از محل نگهداری اموال گر قیمتند مقتول خبر داشتند و هم مقتول در را رویشان باز کرده و آنها هم در فرصت مناسب وی را به قتل رسانده و اموالش را سرتقت کرده‌اند. پزشکی قانونی هم اعلام کرد مرد می‌سالان دوروز قبل به قتل رسیده‌است.

■ **تماس از امریکا**
مرد جوانی که پس از کشف جسد موضوع را به مأموران خبر داده بود، گفت: «مقتول، باجنق من است و مدتی قبل همسر فرزندش به امریکا رفتند و مقیم آنجا شدند پس از این او تنها زندگی می‌کرد و البته من و همسر همیشه به خانماش می‌آمدیم و او سر می‌زدیم. چند روزی بود از باجنقم بی‌خبر شومد و به خاطر کارهای زیادی که داشتم فرصت نکردم به خانماش بروم یا تلفنی با او حرف بزنم تا اینکه ساعتی قبل خواهرزیم از امریکا با من تماس گرفت و گفت نگران شوهرش است. او گفت دو روز است از شوهرش بی‌خبر است و به تلفن هایش جواب

مرد جوانی که ۱۰ سال قبل شوهر خواهرش را در

درگیری به قتل رسانده بود در یک قدمی چوپه‌دار از سوی اولیای دم به خاطر رضای خدابخشیده شد. به گزارش جوان، اوایل مهرماه ۹۱ زنی در تهران با اداره پلیس تماس گرفت و گفت شوهرش در خانه‌شان به زندگی‌اش پایان داده‌است.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران پلیس راهی محل شدند و در آپارتمان مسکونی با جسد خونین مرد جوانی به نام بهزاد روبه‌رو شدند که آثار زخم روی گردنش دیده می‌شد.

همسر مرد فوت شده در حالی که گریه می‌کرد در ادعایی گفت: «چند سال قبل بهزاد به خواستگاری من آمد و خانوادام مرا به عقد او در آوردند. زندگی خوبی داشتم، اما به‌خاطر مشکلات اقتصادی شوهرم رفتار خوبی نداشت و همیشه عصبانی بود. یک سال قبل هم بچه‌دار شدیم و پسرمان به دنیا آمد و پس از آن زندگی ما شیرین تر شد، اما شوهرم باز هم کم کم به دلیل مشکلات اقتصادی افسرده شد. او همیشه با همه افراد درگیر و بعد از مدتی هم پشیمان می‌شد.

به هر حال زندگی ما با تمامی تلخی‌ها و گاهی هم

شیرین می‌گذشت و من نیز اخلاق و رفتار شوهرم را تحمل می‌کردم.»
وی ادامه داد: «چند روزی بود که شوهرم دوباره اخلاقتش بد شده بود و مدام به همه گیر می‌داد تا اینکه امروز با من مشاجره لفظی کرد و وقتی خیلی عصبانی شد به آشپزخانه رفت و چاقوی برداشت و ضربه‌ای به گردنش زد. او خونین روی زمین افتاد و من هم مات و مبهوت مانده بودم تا اینکه دقایقی بعد با اورژانس و پلیس تماس گرفتم و درخواست کمک



دیده شده و آخرین فردی بوده که با مقتول ملاقات داشته‌است. مأموران در بررسی تلفن همراه مهین به تماس‌های مشکوکی رسیدند که وی با افرادی برقرار کرده بود.

■ **انکار قتل**
با به دست آمدن این اطلاعات چند روز قبل مأموران پلیس به دستور قاضی محمدوهایی، بازپرس شعبه دوم ادعای امور جنایی تهران مهین را به عنوان مظنون به قتل بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. صبح دیروز متهم پس از انتقال به دادسرای امور جنایی در ادعایی قتل مهندس ساختمان را انکار کرد و گفت: «وحید از بستگان نزدیک من است، به همین خاطر به خانماش رفت و آمد داشتم. وقتی تنها شد و همسر و فرزندش به امریکا مهاجرت کردند، من و شوهرم رفت و آمدمان را به خانماش بیشتر کردیم و نمی‌گذاشتم او تنها باشد و افسرده شود. ما کارهای او را انجام می‌دادیم و حتی برایش ناهار و شام درست می‌کردیم و به خانماش می‌بردیم. دو روز قبل از حادثه و همان روزی که به قتل رسیده بود من و همزمان با ادامه تحقیقات دربارہ این حادثه، متهم به دستور قاضی پرونده برای بازجویی‌های فنی و مشخص شدن صحت و سقم ادعایش در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار رفت. همچنین بازپرس جنایی دستور داد برای تطبیق خون مظنون با خون کشف شده روی پیراهن زنانه، پزشکی قانونی آزمایش خون از مظنون بگیرد.

قاتل شوهر خواهر بخشیده شد

وی گفت: «شوهرم مرد بد اخلاقی بود و همیشه بهانه می‌گرفت و با من درگیری می‌شد و او را انک می‌زد. هر وقت به فرزندم به دنیا آمد و به افسردگی بعد از زایمان دچار شدم، اما شوهرم نه تنها توجهی به من نمی‌کرد که با من درگیر هم می‌شد. او همیشه مرا تنگ می‌زد و تهدید می‌کرد که اگر من کرد تا اینکه از دست رفتارها و کتک‌هایش خسته شدم و موضوع را به برادرم گفتم. پس از این برادرم چند بار با او حرف زد و شوهرم قول داد مرا اذیت نکند، اما قول او چند روز بیشتر دوام نداشت و باز دوباره مرا تنگ می‌زد. آخرین بار آنقدر مرا تنگ زد که روانه بیمارستان شدم. من از او کینه به دل گرفته بودم و برادرم نیز تصمیم گرفت انتقام سختی از او بگیرد، و به همین دلیل تصمیم گرفتم او را تنبیه کنم.»

وی ادامه داد: «قرار شد برادرم همراه دوستش به خانه ما بیاید و به بهانه‌ای او را تنگ بزنند و از او تعهد بگیرند که من به کاری نداشته باشم. روز حادثه شوهرم در خانه بود که برادرم و دوستش وارد خانه ما شدند. برادرم ابتدا با او حرف زد و خواست با من خوب رفتار کند که با هم درگیر شدند. وقتی درگیری آنها بالا گرفت، دوست برادرم دست و پای شوهرم را تنگ داشت و برادرم نیز با چاقو ضربه‌ای به گردن بهزاد زد و او را به قتل رساند. پس از این حادثه خیلی ترسیده بودیم که با ساختن سناریوی دروغین قصد داشتیم مأموران را فریب دهیم، اما دستمان رو شد.»

■ **اعتراف به قتل**
مأموران با اعتراف زن جوان، مأموران پلیس برادر وی و دوستش را بازداشت کردند. متهمان در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کردند.

گرفتن پول پارک

از سوی مغازه‌داران جرم است

پلیس با واحدهای صنفی که از شهروندان برای پارک خودرویشان در کنار خیابان پول می‌گیرند، برخورد می‌کند. سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامی پایتخت با اشاره به جالش پارکینگ در شهر تهران گفت: «مشکلات ما در دو بخش است؛ مورد اول کمبود پارکینگ است. ما در تهران شدیداً شاهد کمبود پارکینگ هستیم. در واقع از زمانی که من به عنوان رئیس پلیس راهنمایی پایتخت فعالیت می‌کردم تا کنون اتفاق قابل ذکری در دهه گذشته برای رفع این مشکل نیفتاده و وضعیت روز به روز بدتر شده‌است.»

وی با تأکید بر اینکه شهرداری و وزارت مسکن و شهرسازی باید به‌طور جدی برای این مشکل فکری کنند، گفت:«توجه به تردد روزانه شهروندان در سطح معابر تا این مشکل رفع نشود، مسائل حاشیه‌ای آن نیز رفع نخواهد شد.»

فرمانده انتظامی تهران بزرگ درباره موضوع پارکبان‌ها نیز اظهار کرد:«مسئله پارکبان‌ها موضوعی است که در زمان حضور من در پلیس راهنمایی با همکاری معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری پیگیری، اما به‌یکباره رها شد. در حال حاضر برخی از مغازه‌دارها از این موضوع استفاده می‌کنند و قیمت‌های گزاف و گزافی برای پارک در یافت می‌کنند که چنین کاری از سوی افراد غیرمجاز خلاف قانون است.»

رحیمی در ادامه گفت:«شش ماهی است دستوراتی به شرکت‌های انتظام که زیرمجموعه پلیس هستند، ابلاغ کردم تا علاوه بر حفاظت و مراقبت، به بحث پارکبان‌ها در چارچوب قوانین برآزند و به آن سر و سامانی دهند. همچنین در یافتی آنها را نیز تنظیم کنند. برخی واحدهای صنفی که در این مسئله سهیم هستند و قیمت‌های گزافی از مردم می‌گیرند مجرمند و مرتکب جرمی مشهود شده‌اند و پلیس قطعاً با این موارد برخورد خواهد کرد و این برخورد تشدید نیز خواهد شد.

وی اضافه کرد: از شهروندان نیز می‌خواهم به محض مشاهده این افراد با پلیس تماس بگیرند. پلیس در سامانه فوریت‌های ۱۱۰ هم در واحدهای انتظامی مختلف و هم در پلیس راهور با جدیت این موضوع را دنبال می‌کند.

به گزارش ایسنا، رئیس پلیس پایتخت درباره طرح‌هایی که در گذشته برای مدیریت موضوع پارک انجام شده‌بود، نیز اظهار کرد: طرح‌هایی مانند پارکومتر و پارکبان‌های قانونی طرح‌های خوبی بود که شهرداری نیز آنها را دنبال می‌کرد تا سر قیمت مناسبی توافق شود و هم این افراد سود ببرند و هم به مردم ضربه‌ای وارد نشود. این افراد تحت آموزش قرار می‌گرفتند و لباس یکسانی نیز داشتند. متأسفانه این طرح‌ها در دوره‌های مختلف شهرداری رها شد. در حال حاضر بهترین محل برای آنها شرکت‌های انتظام است که همکاری خوبی با کلانتری‌ها دارند و می‌توانند در بحث مراقبت از خودروها و جلوگیری از سرتقت مؤثر باشند.

فروشنده قرص‌های آلوده ۲ برادر بودند

دو برادر که فروشنده قرص‌های لاغری آغشته به مواد روانگردان بودند با تلاش مأموران پلیس شهرستان ری دستگیر شدند. به گزارش جوان، چندی قبل مأموران پلیس شهرستان ری از فعالیت دو برادر در زمینه فروش قرص‌های لاغری آغشته به مواد روانگردان باخبر شدند و تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کردند. با تلاش ششانه‌روزی مأموران سرانجام محل اختفای دو برادر شناسایی و پس از هماهنگی‌های لازم دو متهم در یک عملیات پلیسی دستگیر شدند. بعد از دستگیری دو برادر، مأموران در بازرسی از مخفیگاه آنها ۴ هزار قرص بسته‌بندی شده آماده فروش و ۱۳ کیلو مواد اولیه آغشته به مواد روانگردان شیشه کشف کردند.

سرهمگ دو متهمی جلیلیان، فرمانده انتظامی شهرستان ری گفت: «دو متهم در پلیس آگاهی تحت بازجویی قرار گرفتند و با اقرار به جرمشان گفتند با سوءاستفاده از این شیوه سعی داشتند مشتریانشان را به‌طور مستمر داشته باشند.» تحقیقات از متهمان ادامه دارد.



مفقودی

برگ سبز ماشین سواری پراید جی تی ایکس آی به رنگ سفید شیری روغنی به شماره موتور ۰۱۳۲۴۱۱۳ و شماره شاسی MvMD۴G۱۵BafG۰۰۰۰۶۷ و شماره شاسی NATFBAAV ۶G۱۰۰۰۰۲۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی یک دستگاه ام‌وی ام X۲۲ مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ۵۷۶ د۵۱۳۳، ایران ۶۹ و شماره موتور MvMD۴G۱۵BafG۰۰۰۰۶۷ و شماره شاسی NATFBAAV ۶G۱۰۰۰۰۲۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

گلستان

امور مشترکین و توزیع

روزنامه جوان

۸۸۴۹۸۴۷۶

